

### متن پرسش

سلام علیکم خدمت استاد گرانقدر آقای طاهرزاده: استاد شما در کتاب «انقلاب اسلامی برون رفت از عالم غربی» ذکر کرده اید که اگر شرایط جامعه به نحوی باشد که در آن حیات دینی وجود داشته باشد و زمامداران جامعه کاری در امور مردم نداشته باشند و امور در دست روحانیت باشد، مسئله ولایت فقیه حس نمی‌شد. اینکه در این زمانه چون تمام شئون جامعه در دست زمامداران قرار می‌گیرد برای این که حیات دینی در تمام شئون جاری شود نیاز به ولایت فقیه داریم. حال سوال بنده این است که اگر در آن زمان مسئله ولایت فقیه مطرح نبود چون امور در دست روحانیت بود نه زمامداران آیا به تمام شئون حیات دینی وجود داشت و ما دیگر به انقلاب اسلامی نیاز نداشتیم؟ آیا برای ایجاد جامعه اسلامی همین که دولتمردان و حاکمان نقشی در امور جامعه نداشته باشند و امور در دست عالمان دینی باشد می‌شود تمدن اسلامی ایجاد کرد؟ دیگر نیازی به حاکمیت اسلامی نداریم؟ این سوالات برای بنده در حین مطالعه کتاب «انقلاب اسلامی برون رفت از عالم غربی» ایجاد شده. شاید بنده فهم درست از این موضوع نکرده باشم. ممنون استاد. بنده را راهنمایی کنید که مطلب کتاب را درست درک کنم.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: هم‌چنانکه در قسمت اول کتاب «سلوک ذیل شخصیت امام خمینی رضوان‌الله تعالی‌علیه» عرض شد موضوع ضرورت ولایت فقیه به صورتی که در صدساله‌ی اخیر مطرح شد و امثال ملا احمد نراقی در کتاب «خزائن» متذکر آن شدند؛ مربوط به شرایطی است که در موضوع اجتماع پیش آمده که حاکمیت جامعه به صورت خاصی در همه‌ی امور جامعه حتی در تحصیلات افراد نقش دارد و این غیر از شرایطی بود که مکتب‌خانه‌های گذشته داشته‌اند. آری! ولایت فقیه در چنین شرایطی، چنین نحوه ضرورتی را پیدا کرد وگرنه همواره ولایت دینی در جامعه‌ی ما جاری بوده است و حال که باید حاکمیت به صورت خاصی به صحنه آید ولایت دینی نیز به صورت خاصی که عنوان آن ولایت فقیه به صورت امروزی است، به صحنه آید. موفق باشید